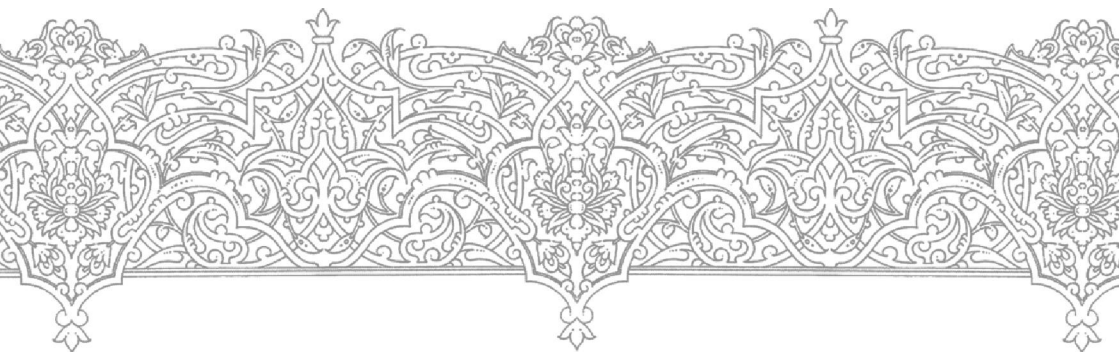




آسیب شناسی راهکارهای تقریب مذاهب و وحدت اسلامی

بهنام دارابی



چکیده:

در این مقاله با توجه به آراء و اقدامات مصلحین جهان اسلام و پیشگامان تقرب مذاهب و وحدت اسلامی کوشش شده است راهکارهای موجود در مورد مسئله را گزارش کرده و به آسیب‌ها و آفات احتمالی هریک بپردازد. راهکارهای موجود حول سه نقطه وضعیت مسلمانان، مشترکات و اختلافات به وجود آمده‌اند.

مقدمه:

ضرورت وحدت و پرهیز از اختلاف برای اعتلای امت‌ها، بر هیچ کس پوشیده نیست. سعادت و شقاوت ملت‌ها در گرو وحدت یا تفرقه آنان است و همواره در طول تاریخ آن ملتی سعادت‌مند بوده است که با هم برادر باشند و هرگاه به سوی جدایی حرکت کرده‌اند به همان اندازه از سعادت فاصله گرفته‌اند.

قرآن کریم به عنوان برنامه سعادت بشری از این مهم پرده برمی‌دارد و جای جای، چه گاهی در طول داستان امت‌های گذشته، و چه گاهی به صورت امر و نهی، مسلمانان را از تفرقه باز می‌دارد و به سوی وحدت راه می‌نمایاند. الفت و برادری را نعمت و جدایی و تفرقه را عذاب می‌داند. (۱) و گاه اهمیت آن را با توحید می‌سنجد. هارون در جواب موسی که از سکوتش در برابر گوساله پرستی بنی اسرائیل شکایت می‌کند پاسخ می‌دهد: (...ای فرزند مادرم ریش و سر مرا مگیر؛ من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی) (۲)

این همه تأکید اسلام و اهمیت مسئله موجب شده است از صدر اسلام همواره ائمه اهل بیت (ع) و عالمان و خیر خواهان جهان اسلام به این امر بیندیشند و در صدد حل این مشکل برآیند و به روشنگری بپردازند. اما به طور ویژه و خاص اهمیت این مسئله زمانی آشکار شد که مسلمین، عزت و عظمت و تمدن بزرگ خود را از دست داده بودند و دست استعمار و استبداد گلوی آنان را می‌فشرد، پس از سال‌ها غفلت از میان آنان مصلحینی ظهور کردند که می‌دانستند این ذلت از کجاست و در صدد بیداری اسلامی برآمدند.

از سید جمال الدین گرفته که او را پیشگام وحدت اسلامی در عصر جدید خوانده‌اند (۳) تا شاگردان شاگردش، شیخ محمد عبده در مصر که به کمک علامه شیخ محمد تقی قمی، دارالتقرب مصر را با این هدف تأسیس کردند و در صدد «تقرب مذاهب» برآمدند (۴) و این حرکتی است که رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (ره) و یارانش لحظه‌ای از آن درنگ نکردند.

اما پیش از ورود به بحث لازم می‌دانم مهم‌ترین نکته در مورد مسئله را از قرآن و نهج البلاغه از زبان عالم جلیل‌القدر آیت الله جوادی آملی نقل کنم:

اصول پیوند به دست کسی است که این دل‌ها را آفرید. خدای سبحان به نبی اکرم فرمود: (لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ) (۵)، تو اگر بخواهی همه ذخایر زمین را توزیع کنی تا مردم را متحد کنی، تازه اول اختلاف آن‌هاست. خداست که «الف بین قلوبهم». هرگز ماده، آن توان را ندارد که دل‌ها را به هم مرتبط کند... امیرالمؤمنین علی (ع) به ابوموسی فرمود: «فانما أنتم اخوان فی دین الله ما فرّق بینکم إلاّ خبث سرائر و سوء الضمائر»؛ (۶) برای این که بفهمید عامل اختلاف چیست، درون خود را بشکافید تا بباید که بد طبیعتی عامل اختلاف است. مقام خواهی و سوء ضمیر عامل اختلاف است... اگر آدم خوبی باشید، یکی می‌شوید. (۷)

با یک نگاه دقیق در اقدامات مصلحین می‌توان دریافت که با تاکید بر سه نقطه وضعیت مسلمانان، مشترکات آن‌ها و اختلافات، سه راهکار در مورد تقریب مذاهب و وحدت مطرح شده است. لازم به ذکر است این مقاله ناظر به تئوری‌های تقریب و وحدت نیست و فقط با مشاهده به گزارش عملکردهای موجود می‌پردازد و سعی دارد با معرفی و گزارشی از راهکارهای موجود به شناسایی هریک و آسیب‌های احتمالی آن‌ها بپردازد.

راهکار اول، توجه به وضعیت مسلمانان

در این روش با توجه به وضعیت مسلمانان و جهان اسلام، منابع آن‌ها، جغرافیای استراتژیک، جمعیت مسلمانان، داشته‌های آن‌ها را گوشزد می‌کند و جایگاه کنونی را می‌نمایاند و اینکه مسلمین باید در کجا قرار می‌گرفتند و امروز کجايند و چه عواملی باعث آن شده است.

اما نقطه توجه در این روش که یکی از عوامل اصلی این وضعیت مسلمانان است، تهدید و خصم مشترک می‌باشد و بسیج نیروها در مقابل آن، مورد نظر است. این مسئله، مسئله ای عقلانی است که اگر با هم باشید پیروزید و اگر نه مغلوب.

قرآن کریم در سه آیه ۱۵۲ آل عمران و ۴۳ و ۴۶ انفال، فشل و نزاع را باهم آورده و در آیه ۴۶ سوره انفال صراحتاً فشل را نتیجه نزاع می‌داند و از آن نهی می‌کند: (وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ؛ و فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع نکنید، که سست می‌شوید و قدرت شما از میان برود) (۸) آیه می‌فرماید از پراکندگی و نزاع بپرهیزید زیرا کشمکش، نزاع و اختلاف در برابر دشمن نخستین اثرش سستی و ناتوانی و ضعف در مبارزه است و نتیجه این سستی و فتور از میان رفتن قدرت و قوت و هیبت شماست. (۹) چنانچه گذشت بنابر نص قرآن کریم ناچار تنازع و اختلاف در امور، باعث فشل و سستی می‌شود و در نتیجه، قدرت و عظمت مسلمین از دست می‌رود و خداوند از این کار نهی می‌نماید.

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز خطاب به کوفیان می‌فرماید:

دژ محکم الهی را درهم شکستید، در حالی که خداوند بر این امت بر «وحدت و برادری» منت گذارده بود که در سایه آن زندگی کنند... بدانید که پس از هجرت دوباره چون اعراب بادیه نشین شده‌اید و پس از وحدت و برادری به احزاب گوناگون تبدیل گشته‌اید... گویا می‌خواهید اسلام را واژگون و پرده حرمتش را پاره کنید و پیمانی را که خدا برای حفظ حرمت مسلمین در زمین و عامل امنیت و آرامش مردم قرار داد بشکنید؟ همانا اگر شما به غیر اسلام پناه ببرید کافران با شما نبرد خواهند کرد. آنگاه نه جبرئیل و نه میکائیل، نه مهاجر و نه انصار وجود ندارند که شما را یاری دهند. (۱۰)

ناگفته نماند که دشمنان اسلام نیز هیچگاه از این مسئله، چه در صدر اسلام و چه هم اکنون غافل نبوده و همواره حتی تا امروز با توسل بهمین سیاست به استعمار مسلمین پرداخته‌اند و به جرأت می‌توان یکی از رموز موفقیت استعمارگران را در همین مسئله دانست و حتی ادعا کرد آنجا که شکست خورده‌اند از ناحیه وحدت مسلمین بوده است. شاهد مثال این راهکار وحدت مسلمین را به طور شاخص می‌توان در مثال‌های زیر یافت:

جنبش اصلاحی سید جمال الدین اسدآبادی: سید جمال الدین اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ هـ ق) که به قول شهید مطهری اولین کسی بود که ندای اتحاد اسلام در برابر غرب را بلند کرد. از مصلحینی بود که سراسر زندگی خویش را به مبارزه با استبداد و استعمار غرب به خصوص انگلستان پرداخت. سید با مسافرت به سراسر جهان اسلام و غرب نه تنها به خوبی خطر اصلی مسلمانان را شناخت بلکه در برابر آن به مبارزه و روشنگری پرداخت و اتحاد مسلمین در برابر غرب را لازم می‌دانست. (۱۱)

استاد شهید مطهری در این مورد می‌نویسد: یکی از هدف‌های سید جمال، اتحاد اسلامی بود؛ یعنی می‌خواست با این تفرقه‌هایی که استبداد در طول چهارده قرن و استعمار در طول سه، چهار قرن اخیر به وجود آورده است، چه تفرقه‌های به صورت مذهبی و چه تفرقه‌های به صورت ملی و چه به صورت‌های دیگر مبارزه کند. و نیز می‌نویسد: سید به مسلمانان هشدار می‌داد که روح صلیبی همچنان در غرب مسیحی بلاخص انگلستان، زنده و شعله ور است. (۱۲)

جنبش انقلابی امام موسی صدر در لبنان: امام موسی صدر نیز از این روش در لبنان بهره برد. ایشان با توجه به اشغال فلسطین و جنوب لبنان توسط اسرائیل، نه تنها مسلمانان که مسیحیان و یهودیان لبنان را نیز در برابر اسرائیل که تهدید مشترک آن‌ها بود متحد نمود و موجب پیشرفت لبنان به خصوص شیعیان آن، گردید. ایشان بسیج نیروهای مشترک را یکی از عوامل وحدت می‌دانست و خود نیز در همین راستا اقدام می‌نمود. (۱۳)

انقلاب اسلامی ایران: انقلاب اسلامی ایران یکی دیگر از موارد استفاده از این روش است و در پیروزی آن شیعه و سنی دوشادوش هم علیه خصم مشترک که حکومتی خودکامه و دست نشانده استعمار بود ایستادند و در کنار هم به رهبری امام راحل به موفقیت دست یافتند.

بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران همواره در تمام دوران مبارزه و پس از آن در سخنان خود درباره وحدت مسلمین، به لزوم هشیاری و وحدت در برابر خطر استعمار غرب و اسرائیل تأکید نموده، خواستار کوشش مسلمانان برای نجات فلسطین و خود شده‌اند که برای نمونه چند مورد ذکر می‌شود: (مسلمین به حکم اسلام باید یّد واحد باشند که بتوانند دست اجانب و مستعمرین را از دخالت در کشور خود قطع کنند). (۱۴)
(من همواره مصرّاً خواسته‌ام که مسلمانان سراسر جهان متحد شوند بر ضد دشمنانشان از جمله اسرائیل مبارزه کنند). (۱۵)

(اگر چنانچه (مسلمین) متحد شوند، هیچ یک از ابرقدرت‌ها قدرت این که به آنها تجاوز کنند ندارد). (۱۶)

نقد و آسیب شناسی راهکار اول:

این روش با پایگاه عقلانی آن توانسته در بسیاری از موارد که جامعه با خطر هجوم دشمن مواجه شده است کارساز باشد و تأثیر بسزایی در جنبش‌های اصلاحی و انقلاب‌های این عصر داشته است که نمونه‌های آن گذشت.

اما چند آسیب مهم این راهکار و وحدت حاصل از آن را تهدید می‌کند. اولین آسیب عدم توجه و فراموشی این نکته است که اخوتی که صرف دشمن مشترک ایجاد کند اخوت فی الله نیست و نفس اتحاد به خاطر ترس از دشمن مشترک، هدفی والا نمی‌باشد. علامه شهید مطهری با اشاره به حدیثی از امام صادق (ع) به این مطلب اشاره می‌کند:

امام صادق (ع) فرمود: إْحْذَرُ أَنْ تَوَاحَى مَنْ ارَادَكَ لَطْمَعٍ أَوْ خَوْفٍ... بترس از کسی که با تو برادری و دوستی می‌کند ولی به خاطر یک طمع یا خوف و ترسی که در بین هست. گاهی عامل خوف سبب دوستی‌ها می‌شود و افراد را به خاطر یک دشمن مشترک با یکدیگر جمع می‌کند. (۱۷)

بله خطر و تهدید، هر انسانی را به دفاع از خود در برابر خصم وادار می‌کند و این وحدتی که بسیج نیروها برای یک آرمان والا، که دفاع از خود و پیشرفت جامعه است، ایجاد می‌کند ارزشمند و مانا است.

امام موسی صدر می‌نویسد: این راه (کوشش‌های مشترک) در شرایط استثنایی مانند شرایط ما در لبنان مناسب‌تر است و سریع‌تر به نتیجه خواهد رسید. این راه همان بسیج نیروهای مشترک در جهت تحقق هدف‌های گوناگون است، راهی است که خود به خود یک دستاورد وحدت جویانه به حساب می‌آید. کوشش

مشترک برای تلاقی دو عامل و دو هم‌رزم در یک میدان که در نتیجه آن، حسن اعتماد گسترش می‌یابد و دل‌ها به آرامش می‌رسد و یکی از مظاهر وحدت عقیده و عواطف، خود را نشان می‌دهد. (۱۸)

ولی وحدتی که صرف ترس از دشمن مشترک، ایجاد کند نه تنها ناپایدار است بلکه چه بسا پس از جنگ، افرادی که زیر یک بیرق بوده‌اند به دشمن هم تبدیل شوند.

اما آنچه که باعث شد جنبش‌ها و قیام‌های مردمی قرون اخیر ادامه پیدا نکند و آسیب دیگر این راهکار می‌باشد این است که توسل به این روش زمانی اثر گذار است که خصم، آشکار باشد و ما می‌بینیم در دوره ای از تاریخ، ملت‌ها علیه استعمارگران قیام کردند و انقلاب‌ها شکل گرفت چرا که سیاست استعمار کهنه، چپاول و غارت آشکار ملت‌ها بود. اما استعمار امروز، هجومی نیست که خطر آن آشکار باشد و چه بسا خود را در پس لباس زیبایی حقوق بشر و آزادی پنهان کند و امروز این تبلیغات است که به جای سلاح به کار می‌رود.

اگر روزگاری بار سنگین انگلستان بر دوش مردم سنگینی می‌کرد و سید جمال و امثال او می‌توانستند ملت‌ها را به قیام تشویق کنند اما امروزه شیوه استعمار نو و امریکایی این نیست. امروز رئیس جمهور امریکا جایزه صلح نوبل می‌گیرد، در دانشگاه الازهر که قلب جهان تسنن است خود را مسلمان زاده می‌خواند، از گذشته‌ها پوزش می‌طلبد و خواهان رابطه بیشتر با مسلمانان است. (۱۹) این گونه است که جز کسانی که اهل بصیرت باشند نمی‌توانند خطر این دشمن را درک کنند و وظیفه مصلحان امروز سنگین تر از گذشته است چرا که قبل از دعوت به وحدت و بسیج نیروها، باید به اثبات این دشمنی و خطر پردازند. در همین راستا آیت الله عمید زنجانی در سومین کنفرانس وحدت، اولین نقش عملی انقلاب اسلامی در روند وحدت اسلامی را ملموس‌تر کردن خطر دشمن و دومین بخش آن را معرفی دشمنان می‌داند. (۲۰)

راهکار دوم، تأکید بر مشترکات

این راهکار، به مشترکات فرق اسلامی توجه دارد و روی آن تأکید می‌کند. اصولاً توسل به مشترکات اولین قدم هر نوع رابطه اجتماعی است. قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام (ص) در مورد برخورد با اهل کتاب می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾؛ بگو: ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را- غیر از خدای یگانه

(... و قُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمُ وَاللَّهُمَّ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ...؛ بگوئید ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و شما یکی است و ما در برابر او تسلیم هستیم)(۲۲)

بنابراین توسل و توجه به نکات مشترک نه تنها عقلانی است، دستور خداوند و سیره معصومین نیز بوده است. چنانچه گذشت آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران و آیه ۴۶ سوره مبارکه عنکبوت، در برابر اهل کتاب است. پس هنگامی که بین مسلمین و اهل کتاب مشترکاتی که قرآن می‌فرماید موجود است و اثر بخش، مشترکات فرق مسلمان به مراتب بیشتر و اثر گذارتر می‌باشد.

مصلحان مسلمان نیز نسبت به این امر بی توجه نبوده و همواره بر آن تاکید داشته‌اند.

از نظر علامه شهید مطهری تنها راه وحدت توسل به این مشترکات است، ایشان می‌نویسد: فقط سه چیز است که می‌تواند مسلمین را به هم مربوط کند و ملاک وحدت آن‌هاست. قرآن، رسول اکرم و سیره و تاریخ آن حضرت، کعبه و حج.(۲۳) و درجای دیگر می‌فرماید: جهات اختلاف فرق و مذاهب آنقدر زیاد نیست که مانع اخوت اسلامی بشود و جهات اشتراک آن‌ها آنقدر زیاد و نیرومند است که می‌تواند آن‌ها را به هم بپیوندد.(۲۴) اما مشترکات اسلامی و مسلمانان کدامند؟

شهید مطهری مشترکات مسلمین را با عنوان ملاک‌ها و معیارهای وحدت اسلامی به شرح ذیل عنوان می‌کند:

الف) اعتقاد به خدا که البته مشترک است با سایر ادیان

ب) قرآن به عنوان کتاب آسمانی و عزیزترین کتاب‌ها

ج) سیره و سنت رسول اکرم و احادیث نبوی

د) حج، کعبه، مراسم حج که این فلسفه در آن منظور است

هـ) تاریخ مشترک و به هم آمیخته که فی المثل بخاری و ابو حنیفه و غزالی و جوهری ایرانی، مورد احترام مذهبی شمال افریقا هستند.

ز) به طور کلی یک فرهنگ هزار ساله مشترک و روحیه مشترک و تربیت مشترک. (۲۵)

آیت الله تسخیری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب، محورهای وحدت را به شرح زیر می‌داند:

۱. قرآن کریم

۲. سنت شریف نبوی

۳. مرجعیت تفسیری ائمه اهل بیت (ع) درباره قرآن و سنت. (۲۶)

مشترکات مسلمانان را به دو قسمت می‌توان تقسیم کرد؛ اولاً ضروریات دین که ممیز مسلمان از غیر مسلمان است. اعتقاد به اصول دین (توحید، معاد و نبوت) اساسی‌ترین مشترکات مسلمانان است و فرد به محض اقرار به این سه اصل، مسلمان است و در فقه اسلام، حقوق و تکالیفی بر این عنوان بار می‌شود. عنوان مسلمان که به افراد اطلاق می‌شود خود دومین مشترکات است و جامعه مسلمین را از غیر، جدا می‌کند و دایره اسلام او را در برمی‌گیرد.

پس از اصول دین نوبت به سایر مشترکات می‌رسد: حج، قبله و مناسک مشترک، قرآن، اعمال مشترک مانند نماز، روزه، زکات و سایر احکام فقهی مورد اتفاق، محبت و مرجعیت علمی اهل بیت، هزار و چهارصد سال تاریخ، تمدن و فرهنگ مشترک و صدها وابستگی دیگر که مسلمانان را اعضای یک خانواده گردانده است و آشنایی و شناخت آن‌ها موجب علقه و نزدیکی مسلمانان به یک دیگر می‌باشد.

نقد و بررسی راهکار دوم و آسیب‌های احتمالی:

اولین فایده این روش، یعنی تأکید بر مشترکات و مخصوصاً اصول دین، تعریف دین اسلام و عنوان مسلمان است که جلوی تکفیرها و خون‌مباح دانستن‌ها را می‌گیرد.

در این جا لازم است چند نمونه نظر علمای مذاهب اسلامی در مورد اسلام و کفر آورده شود: شهید ثانی از فقهای شیعه در شرح لمعه شهید اول در تعریف کافر می‌نویسد: الکافر و ضابطه من أنکر الإلهیه أو الرّساله أو بعض ما علم ثبوته من الدین ضروره. (۲۷)

ملاً علی قاری در شرح فقه الاکبر از ابوحنیفه نقل کرده که گفته است: لا نکفر أحدًا من اهل القبلة. و فخرالدین رازی در تلخیص المحصل می‌نویسد: الکفر عبارة عن إنکار ما علم بالضروره مجيء الرسول به، فعلى هذا لا یکفر أحد من اهل القبلة. (۲۸)

با توجه به همین یک نکته اساسی که تعریف اسلام و کفر باشد و متأسفانه گاهی فدای هوای نفس‌ها و غرض‌ورزی‌ها می‌شود می‌توان جان بسیاری از مسلمین را حفظ کرد که گذشته از تاریخ، امروزه نیز فدای تکفیرها می‌شوند. در آن صورت هر روزه شاهد بمب‌گذاری‌ها، عملیات انتحاری و کشتار مسلمین با نام اسلام و ندای الله اکبر نمی‌بودیم و چه هدفی مقدس‌تر از حفظ دماء مسلمین می‌توان یافت.

گذشته از این نکته که خود برای توجه به این راهکار کافی است سایر مشترکات نیز چه از نظر همکاری‌های اجتماعی و چه ایجاد الفت بین مسلمین بسیار حائز اهمیت است.

با تمام فوایدی که این روش به دنبال داشته اما در عمل چند آسیب مهم آن را تهدید می‌کند. مهم‌ترین آسیب آن، نادیده گرفتن و ناچیز شمردن اختلافات است. این نادیده گرفتن اولاً ما را از واقع‌گرایی دور می‌کند و

باعث می‌شود این راهکار بین مردم جایگاهی نیابد و این شبهه را ایجاد کند که هدف تقریب از بین بردن مذهب آنان است چرا که خود به این اختلافات آگاه‌اند و روز و شب با آن زندگی می‌کنند.

دومین آسیب، ترس از برخورد با موارد اختلاف است که بیشتر دامن دست اندر کاران تقریب را می‌گیرد. ممکن است از ترس به هم خوردن روابط، از پرسیدن سؤالاتی که در ذهنشان به وقوع می‌پیوندد و حتی از جواب سؤالات دیگران پرهیز کنند و می‌دانیم کوچک‌ترین شبهه و نکته تاریک در ذهن اگر موجب ترس و فرار مسلمین نشود به فرموده امیرالمؤمنین (ع) باعث کینه و عداوت می‌شود (۲۹) و این خود آسیب سوم می‌باشد که تولید سوء ظن، کینه، دورویی و بی‌اعتمادی مسلمین نسبت به یکدیگر است و به گفته شهید مطهری: تهدیدی که از ناحیه سوء تفاهات بیجا و خوب درک نکردن یکدیگر متوجه مسلمین است بیش از آن است که از ناحیه خود اختلافات مذهبی متوجه آنان است. (۳۰)

و این آسیب سوم، آسیب چهارمی در پی دارد که در اثر نیافتن جواب منطقی سؤالات، هر فرقه ای ریشه فرقه دیگر را بر آب می‌بیند و هرچند به زبان نیاورد آن فرقه را در دل گمراه می‌شمرد و خود را حق مطلق می‌داند.

راهکار سوم، بررسی علمی اختلافات

این راهکار بیان می‌کند، در مسئله تقریب مذاهب نباید منشأ تنش را نادیده گرفت بلکه برعکس باید مستقیماً با آن روبرو شد و معتقد است خود بررسی علمی این اختلافات می‌تواند عامل تقریب باشد چرا که اولاً منبع رجوع در موارد اختلاف مسلمانان یکی است و با یک زبان که زبان قرآن و رسول اکرم باشد سخن گفته می‌شود و ثانیاً منطق مستدلی در پس مذاهب اسلامی نهفته است که گفت و گوی علمی در موارد اختلاف را اثربخش می‌گرداند و ما شاهدیم که روزگاری بلاد اسلامی محل درس و مباحثات علمی علمای مذاهب بود و شاگردان هر مکتبی به خوبی با سایر مکاتب آشنا می‌شدند و از هم بسیار تأثیر می‌پذیرفتند.

این روش در صدد است تا شناختی واقعی، مبتنی بر بحث و بررسی‌های عقلانی و ادله علمی و منطقی به دست دهد تا مسلمانان در سایه آن، سوء ظن‌ها را از بین ببرند و تابع تفکر و علم و برهان منطقی گردند، به هم نزدیک شده و از تفرقه پرهیزند و قطعاً بنایی که بر پایه استوار علم و تفکر برپا شود بنایی نیست که کسی را یارای صدمه زدن به آن باشد. قرآن کریم به انسان‌ها می‌فرماید یکدیگر را بشناسند (۳۱) و بر گفت و گوی علمی و حق جویی بسیار تأکید دارد:

(...فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...؛ پس بندگان مرا بشارت ده \ همان کسانی که سخنان

را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند) (۳۲)

صاحب تفسیر نمونه ذیل این آیه می‌نویسد:

این آیه که بصورت یک شعار اسلامی درآمده، آزاداندیشی مسلمانان و انتخابگری آن‌ها در مسائل گوناگون را بخوبی نشان می‌دهد. بسیاری از مذاهب، پیروان خود را از مطالعه و بررسی سخنان دیگران نهی می‌کنند؛ چرا که به دلیل ضعف منطق خویش، از این می‌ترسند که منطق دیگران برتری پیدا کند و پیروانشان را از دستشان بگیرد؛ اما بطوری که خواندیم، اسلام بندگان راستین خداوند را کسانی معرفی کرده که اهل تحقیق‌اند. (۳۳)

و نیز لازم است مسلمانان گرد هم آمده، هر یک نظر خود را شفاف و روشن همراه با ادله و برهان خود بیان کند، دیگران نیز بدون تعصب سخنان او را شنیده و با محک عقل و منطق بسنجند و در فضای علمی در مورد آن، تفکر و گفت و گو کنند و آنچه را که حق می‌یابند بیان نمایند.

استاد علامه جعفری با اشاره به آیه ۱۷۴ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: برهان و نور همیشه رو به سوی الفت و وحدت دارد نه رو به تخالف. (۳۴)

و به گفته علامه شهید مطهری: طرفداری از تز «اتحاد اسلامی» ایجاب نمی‌کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود. آنچه نباید صورت گیرد کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه‌های مخالف را بر می‌انگیزد، اما بحث علمی سروکارش با عقل و منطق است نه عواطف و احساسات.

... خوشبختانه در عصر ما محققان بسیاری در شیعه پیدا شده‌اند که از همین روش پسندیده پیروی می‌کنند. در رأس همه آن‌ها علامه جلیل آیت الله سید شرف الدین عاملی و علامه کبیر آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و علامه بزرگوار آیت الله شیخ عبدالحسین امینی مؤلف کتاب شریف الغدیر را باید نام برد. (۳۵)

با توجه به سخن استاد مطهری می‌توان کتاب شریف الغدیر و مؤلف آن علامه امینی را نمونه‌ای عالی این روش دانست.

علامه شیخ عبدالحسین امینی (۱۲۸۱-۱۳۴۹ هـ ش) با تلاش فراوان به نگارش کتاب الغدیر دست زد و در آن به مسئله خلافت حضرت علی (ع) و نقل نص‌های راجع به غدیر خم و سایر متون که از طرق غیر شیعه و علمای اهل سنت رسیده پرداخت و به بسیاری از شبهات پیرامون تشیع پاسخ گفت. (۳۶)

در ظاهر امر به نظر می‌رسد که پرداختن به قدیمی‌ترین و مهم‌ترین اختلاف مسلمانان مانع وحدت مسلمین باشد و همین شبهات بود که باعث شد علاوه بر خود علامه امینی، شهید مطهری در مقاله‌ای با عنوان «الغدیر و وحدت اسلامی» به پاسخ این شبهه بپردازد و جایگاه این اثر را در وحدت مسلمین بیان کند:

...نقش مثبت الغدیر در وحدت اسلامی از این نظر است که اولاً منطق مستدل شیعه را روشن می‌کند و ثابت می‌کند که گرایش در حدود صد میلیون مسلمان به تشیع - بر خلاف تبلیغات زهرآگین عده‌ای - مولود

جریان‌های سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه یک منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است.

ثانیاً ثابت می‌کند پاره‌ای اتهامات به شیعه - که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است - از قبیل اینکه شیعه غیر مسلمان را بر مسلمان غیر شیعه ترجیح می‌دهد و از شکست مسلمانان غیر شیعه از غیر مسلمانان شادمان می‌گردد، و از قبیل اینکه شیعه به جای حج به زیارت ائمه می‌رود، یا در نماز چنین می‌کند و در ازدواج موقت چنان، به کلی بی‌اساس و دروغ است... (۳۷)

اختلافات:

در این جا لازم است پیش از ورود به بحث، به بررسی نفس اختلاف و اختلافات موجود میان مسلمانان پرداخت؛ گذشته از اختلافات طبیعی بشر مانند نژاد، زبان، رنگ و... اختلاف در اندیشه و عقیده، از نظر آموزه‌های اسلام به دو بخش تقسیم می‌شود؛ یکی رحمت و دیگری گمراهی و ستمگری. در قرآن کریم اختلافی که پس از آمدن بینه، برهان و علم به حق باشد مذموم و موجب عذاب الهی است:

(وَأَلَّا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند: (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید. و آن‌ها عذاب عظیمی دارند) (۳۸)

این نوع اختلاف مذموم است چرا که پس از روشن شدن حق، نپذیرفتن آن قطعاً از سر هوای نفس و سرکشی و تعصب می‌باشد. اما در مسیر روشن شدن حقیقت این اختلاف علمی نه تنها مذموم نیست، بلکه رحمت می‌باشد و موجب پویایی و عمق علوم مسلمانان می‌شود.

اختلافات اصلی مسلمانان به سه زمینه مربوط می‌شود؛ فقه، کلام و تاریخ.

فقه: فقه، علم به احکام شرعی فرعی از راه ادله تفصیلی آن است و گاهی به خود احکام شرعی فرعی نیز اطلاق می‌شود. (۳۹)

منظور از ادله تفصیلی، منابع فقه می‌باشد. منابع اصلی فقه، قرآن و سنت است که بین مسلمانان مشترک است و منابع دیگر، اجماع، عقل، قیاس، استحسان، مصالح مرسله و سد ذرایع می‌باشد که در مورد آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. (۴۰) مذاهب فقهی که مستند به کتاب و سنت هستند و به رسمیت شناخته شده‌اند عبارت‌اند از: مذهب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی از اهل سنت و مذهب اثنی عشری و زیدی و بهره از شیعه و مذهب اباضی. (۴۱)

مذاهب اسلامی بر این اتفاق دارند که اجتهاد احکام فقهی جایز و لازم است و هر مجتهدی وظیفه دارد سعی کند حکم شارع و یا وظیفه عملی را از کتاب و سنت به دست بیاورد و بر این نیز اتفاق دارند که مجتهد در هر دو صورت رسیدن به حکم صحیح و نرسیدن به آن نزد خداوند پاداش دارد. باب اجتهاد در اسلام باز است و هیچ مذهبی به خاطر اجتهاد سرزنش نمی‌شود و این اختلاف نه تنها مذموم نیست بلکه پسندیده و دستور شارع می‌باشد و موجب پویایی فقه اسلامی می‌گردد.

بنابراین اختلاف اجتهادی و فقهی به ذاته آسیبی به اتحاد اسلامی و تقریب مذاهب نمی‌رساند و هیچ یک از مذاهب مثلاً به دلیل تکتف در نماز یا سجده بر مهر بر دیگری خرده نمی‌گیرد. البته ناگفته نماند که همین مسائل نیز شبهاتی به وجود آورده که ناشی از عدم شناخت صحیح است و به خود فقه مربوط نمی‌شود مانند اینکه شیعه بر بت سجده می‌کند و... که به راحتی قابل حل است و هر کسی قادر به پاسخ این شبهه می‌باشد و البته جواب این گونه مسائل نیز چیز غیر قابل قبول و مسئله مشکلی نیست.

با این که ذات فقه موجب تفرقه نمی‌شود اما عرصه خوبی برای وحدت مسلمین است و مخصوصاً با مرجعیت علمی ائمه اطهار(ع) قابلیت نزدیکی مذاهب را به خوبی دارا است. امام موسی صدر در نامه به مفتی وقت لبنان، شیخ حسن خالد، تحقق وحدت مسلمانان را از دو راه می‌بیند که اولین آن یکی کردن فقه است. ایشان می‌نویسد:

ایجاد وحدت در این جزئیات یا نزدیک کردن آن‌ها به یکدیگر، چیزی است که پیشینیان صالح و دانشمندان نیک ما نیز رویای آن را در سر می‌پرورانده‌اند. چنانچه می‌بینیم، شیخ طوسی کتاب «خلاف» را در هزار سال پیش در زمینه «فقه تطبیقی» می‌نویسد. علامه حلی با نوشتن کتاب «التذکره» راه طوسی را دنبال می‌کند. فقه تطبیقی همان بذر مبارکی است که روش وحدت فقهی بدان بسته است و وحدت احکام شریعت به آن کامل می‌شود.

ایشان راه این وحدت را از طریق یکی کردن سنت می‌داند: گردآوری همه احادیثی که از فرق مختلف اسلامی از نبی اکرم (ص) در همه زمینه‌های عقیدتی و احکام شریعت روایت کرده‌اند. بدین منظور که پس از قرآن کریم، مرجع دوم مسلمانان باشد، به عبارت دقیق تر کوششی است که در راه یکی کردن سنت پاک پیامبر صورت گرفته است... آنگاه نوبت به نوشتن دایرة المعارف فقهی می‌رسد. (۴۲)

شیخ محمود شلتوت را نیز می‌توان نمونه موفق این عرصه دانست، ایشان با تأسیس فقه مقارن در دانشگاه الازهر در این راستا گام برداشت و در نهایت فتوای مشهور خود مبتنی بر اجازه تقلید از فقه چهار مذهب اهل سنت و شیعه را صادر نمود. (۴۳)

کلام: علم کلام علمی است که درباره عقاید اساسی اسلام یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت بحث می‌کند، به این نحو که آن‌ها را توضیح می‌دهد و درباره آن‌ها استدلال می‌کند. (۴۴) مذاهب کلامی اصلی مسلمانان عبارت‌اند از اهل حدیث، معتزله، اشاعره، ماتریدی و شیعه. (۴۵) که بسته به رویکردهای مختلف نسبت به عقل و نقل به وجود آمده‌اند.

از آنجا که کلام با عقاید اساسی اسلام سروکار دارد، اختلافات کلامی به مراتب نسبت به اختلافات فقهی که به فروع مربوط می‌شود حساس‌تر است و مستقیماً در مورد کفر و ایمان اظهار نظر می‌کند و به شهادت تاریخ بیشتر نزاع‌های خونین از این ناحیه در گرفته است؛ چنانچه جدال‌های کلامی در مورد خلق قرآن، دوران محنت در زمان مأمون عباسی را به وجود آورد.

اختلافات کلامی از آغاز اسلام همواره بین مسلمانان وجود داشته است. در برخورد با این مسائل کلامی، پس با قبول واقعیت این اختلافات قبل از هر چیز باید به این نکته توجه کرد که چنانچه توضیح آن گذشت اختلافات کلامی بین مذاهب هرچند جدی باشند ولی با توجه به تعریف اسلام و کفر، هیچ کسی را از دایره اسلام خارج نمی‌کند و در مورد دایره اسلام اتفاق نظر وجود دارد.

اختلافات کلامی مسلمانان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. مسائلی که اصلاً قابل درک بشر نیست و خود خداوند از جدال و بحث و حتی تفکر در مورد آن منع کرده است به عنوان مثال خداوند در آیه ۸۵ سوره مبارکه اسراء به پیامبر می‌فرماید: (و از تو درباره روح سؤال می‌کنند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است).

از ائمه اهل بیت نیز روایات بسیاری نقل شده است که با روشن نمودن مسائل از ورود به بعضی اختلافات و بحث‌های کلامی مانع شده‌اند برای مثال در مسئله حدوث و قدم قرآن امام رضا (ع) در نامه به یکی از شیعیان فرمود: «ما جدال در قرآن را بدعت می‌دانیم و در این مورد سائل و مجیب هردو شریک‌اند، و جز خدا خالق نیست و آنچه ماسوای اوست مخلوق و آفریده است، و قرآن کریم الهی است؛ از پیش خود بر آن اسمی نگذار که از گمراهان خواهی بود.» (۴۶)

پس هنگامی که خداوند، پیامبر (ص) و ائمه طاهرین (ع) برخی از مسائل را خارج از درک بشر دانسته‌اند چه جای جدال و بحث در مورد آن‌هاست. بنابر این در بحث‌های کلامی، اینگونه مسائل باید از سایر مسائل کلامی جدا شده و خلط نشوند چرا که قطعاً نزاع در مورد چنین مسائلی بیهوده خواهد بود.

۲. اختلافات لفظی شبهه‌ساز: بسیاری از اختلافات کلامی ناشی از برداشت ناصحیح از سخن دیگران است که برای روشن شدن مطلب فرموده علامه جعفری در مورد عدالت را نقل می‌کنیم:

من پس از دو سه ماه تحقیق و مطالعه به این نتیجه رسیدم که گمان نمی‌رود مسلمانی بگوید «ان الله ظالم لعبده»، زیرا «لیس بظلام للعبید»؛ هیچ تصور نمی‌شود مسلمانی بگوید: «لم تتم کلمة ربك صدقاً و عدلاً»، زیرا «تمت کلمة ربك صدقاً و عدلاً». این زمینه دل‌های همه فرق اسلامی است. مطلبی که به ذهن آمد، این است که عده ای از اشاعره می‌خواهند بگویند که انسان نمی‌تواند امر به عدالت کند. یعنی انسان نمی‌تواند به خدا بگوید تو باید عادل باشی... نکته مهمی که در این جا باید به آن توجه نمود، این که «ما هو معنی العدالة؟». اشاعره در پاسخ به این پرسش گفته‌اند نمی‌دانیم. برخی گمان کرده‌اند این «نمی‌دانیم» به معنای نفی عدالت از خداست. در صورتی که این گمان، باطل و نابجاست. (۴۷)

با توجه به این نمونه متوجه می‌شویم بسیاری از اختلافات و سوء ظن‌ها ناشی از عدم برداشت صحیح از گفته دیگران است که البته در فضای علمی گفت و گو و تحقیق روشن خواهد شد.

۳. علاوه بر دو مورد گذشته، یعنی مسائلی که جای بحث و جدال ندارد و اختلافاتی که ناشی از سوء برداشت است نوع سوم، مسائلی است که واقعاً مورد اختلاف است. در این گونه موارد نیز باید زمینه گفت و گو باز باشد و هر یک برهان خود را ارائه کنند اگر دیگران قانع شدند و پذیرفتند که چه بهتر و اگر نه حداقل فایده بحث، شناخت متقابل است که جلوی سوء ظن‌ها و سایر آسیب‌هایی که گذشت را می‌گیرد. مخصوصاً با گرایش به عقلانیت بشر امروز جای امیدواری است که چنانچه تا کنون در برخی مسائل کلامی سوء ظن‌ها برطرف شده و اتفاق نظر به دست آمده در سایر مباحث نیز چنین باشد.

تاریخ: حساس‌ترین و اصلی‌ترین نوع اختلافات را می‌توان اختلافات تاریخی دانست. این اختلاف در تاریخ است که غیر قابل حل می‌نماید و خود را در پس مسائل کلامی، فقهی، اجتماعی و فرهنگی نیز مخفی می‌کند و موجب کینه و عداوت مسلمانان شده است. از این دست می‌توان به جانشینی پیامبر (ص)، خلافت علی (ع) و فرزندانش، مسئله شهادت زهرای اطهر (س) و... اشاره کرد. این دست اختلافات تاریخی مهم‌ترین اختلاف مسلمانان است.

اما در مواجهه با این اختلافات چه باید کرد سؤالی است دشوار که به سال‌ها تحقیق و تفحص نیاز دارد. قدر متیقن این است که نه قابل چشم پوشی و مسکوت گذاردن است و نه مسئله ای عقلانی است که با استدلال منطقی به جایی برسد. در این گونه اختلافات نه می‌توان مسکوت گذاشتن را تجویز کرد، و نه به خاطر حساسیت آن بحث و جدال تجویز نمود. بنابراین توصیه می‌شود مسلمانان در این موارد فقط با نظر هم آشنا باشند و سخن یکدیگر را بشنوند اما از جدال و نزاع بر سر آن بپرهیزند و یکدیگر را معذور دارند.

نقد و بررسی راهکار سوم:

پس از روشن شدن موارد اختلاف دیگر شبهه ای باقی نمی‌ماند و کسی آن‌ها را آنقدر بزرگ نمی‌بیند که خون مسلمانی را مباح بداند. شناخت حقیقی میسر می‌شود و امر خداوند تحقق یافته است. سوء تفاهات، ترس‌ها و بی‌اعتمادی‌ها بر طرف می‌شود، دشمنان قادر به توطئه نخواهند بود و در نهایت الفت و اخوت اسلامی بار دیگر به میان مسلمانان باز می‌گردد اما واقعیت آن است که این شناخت میسر نمی‌شود مگر در محیط علم و تفکر، چرا که فقط این ذات علم است که توانایی تحمل نظر مخالف و این سعه صدر را دارا می‌باشد.

اصلی‌ترین آسیب احتمالی این روش تعصب و عدم رعایت اخلاق حسنه و ادب اختلاف است. که بهترین راه حل این آسیب، توجه و عمل به آموزه‌های قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام (ص)، اهل بیت (ع) و علمای بزرگ اسلام می‌باشد و در مورد آن کتاب‌ها نوشته و قلم‌ها فرساییده شده است. قرآن کریم فراوان از تعصب نهی می‌کند و مسلمانان را به حق طلبی و رعایت ادب اختلاف دعوت می‌کند و بهترین روش‌ها را در بحث کردن از مسلمین می‌خواهد: (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما؛ و با آن‌ها با روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن) (۴۸)

نتیجه‌گیری:

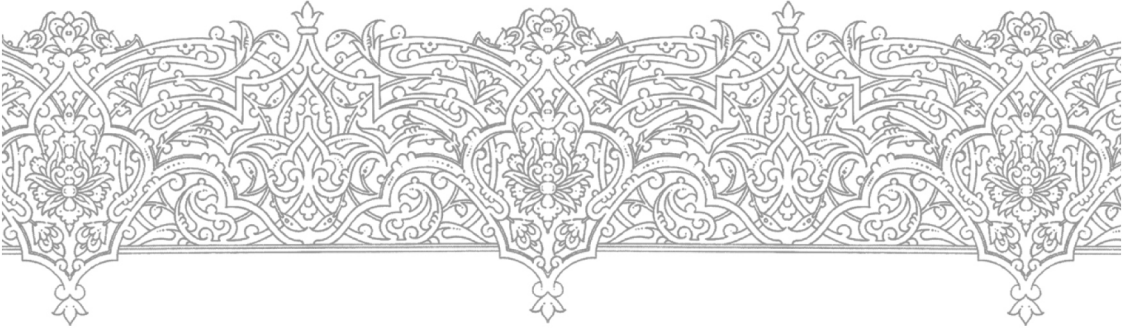
شناسایی و گزارش راهکارهای موجود در مورد تقریب مذاهب و وحدت، اولاً ظرفیت بالای مسلمانان در این راه را نشان می‌دهد که به برکت اسلام این توانایی‌ها فراهم شده‌اند و امکان آسیب شناسی و نیز شناسایی موقعیت استفاده از هر روش را فراهم می‌کند تا با دقت، هر یک را متناسب با زمان و مکان به کار بریم و توانایی آن‌ها را بسنجیم و با نظر در اقدامات پیشگامان این عرصه، نقاط ضعف و قدرت آن‌ها را بشناسیم. برای تحقق آرمان وحدت، بر مسلمانان واجب است عواملی که موجب وحدت و همبستگی است را بشناسند و با دقت از آفات و آسیب‌ها جلوگیری کنند.

با بصیرت و درک مسائل جهان، دشمنان اصلی خود را شناخته، دست استعمارگران را کوتاه و توطئه‌های آن‌ها را خنثی کنند. حول مشترکات عزیز اسلام جمع شوند و به ریسمان الهی چنگ زنند. اختلافات یکدیگر را شناخته با قبول آن‌ها و احترام متقابل به بررسی اختلافات بپردازند و روحیه حق طلبی را در خود تقویت کنند و سخن حق را از هر که بود بپذیرند.

به امید اینکه باری تعالی بار دیگر مانند صدر اسلام بر مسلمانان منت نهاده و به ایشان نعمت برادری، که خیر دنیا و آخرتشان در آن است عطا فرماید و نگارنده این ستور را خاک پای پیشگامان و دل سوزان این عرصه قرار دهد.



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده



واحد فرهنگى و آموزش
اتحاديه بين المللى امّت واحده
با همکارى مجله الكترونيكى اخوت
www.unified-ummah.com
www.okhowah.com